

(نیروی توخالی - HOLLOW FORCE)

آیا جنگ عراق نیروهای نظامی آمریکا را تا نقطه شکست گسترش داده است ؟

نویسنده فیلیپ کارتر

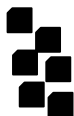
ترجمه : شاپور جلیلیان

گسترش مقاومت داخلی در عراق که باعث کشته شدن بیشتر از ۱۲۰ نفر از نظامیان آمریکایی تنها در ماه آوریل سال ۲۰۰۴ گردید موجب شد تا پنتاگون درخواست نماید تعداد ۳۰۰۰۰ نیروی دیگر به عراق اعزام گردد، همچنین مقام های ارشد نظامی تقاضای بودجه نظامی بیشتری را از کنگره نموده اند، تا از آن در جهت ادامه عملیات در عراق و جایگزینی نیروهای خارج شده از آن کشور استفاده نمایند . حتی اگر دستور اعزام نیروها همین حالا صادر شود ماه ها طول خواهد کشید تا این لشگرهای تازه نفس وارد صحنه عملیات شوند . اگرچه به نظر می رسد نیروی نظامی آمریکا در حال حاضر بسیار قدرتمند و دارای قدرت جنگی بالا هستند، اما گسترش این نیروها در این حوزه گسترده و به مدت طولانی بیشتر از یکسال باعث فرسایش و خستگی نیروهای اشغالگر و در نتیجه ارتش آمریکا برای انجام نقش جهانی خود با کاهش نیروی انسانی ، تجهیزاتی و قطعات یدکی روبرو خواهد شد. این مشکلات به سادگی قابل حل نیستند اگرچه ممکن است از نظر یک فرد غیرنظامی غیرمعقول باشد که ارتش ایالات متحده آمریکا که حدود یک میلیون و چهارصد هزار نفر نیروی نظامی دارد، با گسترش حدود ۱۴۰ هزار نفر در عراق و ۹۰۰۰ نفر در افغانستان دچار مشکل جدی و حاد شود اما افسران نظامی اصطلاحی



دارند که می گوید " آماتورها به مطالعه تاکتیک می پردازند و حرفه ای ها لجستیک را بررسی می کنند " دلیل منطقی برای این امر این است که حرکت یک واحد نظامی از نقطه الف به نقطه ب مستلزم تلاش آماد و پشتیبانی چشمگیری می باشد . پرواز هواپیماها باید برنامه ریزی شود ، قطارها بایستی بارگیری شوند، مسیر کشتی ها باید تغییر یافته و تجهیزات نظامی بارگیری شوند . حال تصور نمایید، اگر یک گروهان تانک قرار باشد از نقطه ای در خاک آمریکا به نقطه ای در خاک عراق (فلوجه) استقرار و گسترش یابد، نیروهای مسوول ناچارند قبل از اقدام به جابجایی، کلیه وسایل خود را اعم از وسایل موتوری سنگین و سبک و ... ، را به مقصد مورد نظر به صورتی دقیق از نظر آمادگی رزمی مورد بازرسی و ارزیابی قرار دهند. همچنین سربازان زیادی باید در اسکله، عملیات بارگیری را انجام داده و یا نظارت نمایند، علاوه بر این ها نیروهای زیادی باید در این بندر با استفاده از تجهیزات خاصی، تانک ها را به کشتی منتقل نمایند، و کشتی مسیر آمریکا تا کویت را به آرامی طی نماید و در آنجا عملیات تخلیه و جابجایی نیز مدت ها طول می کشد تا صورت گیرد، بنابراین تا زمانی که تانک ها به مرز جنوبی عراق برسند، صدها نفر در مبداء و مقصد باید کارهای مختلف را برنامه ریزی و انجام دهند، و با توجه به نیروی مورد نیاز ، هزینه های زیادی نیز باید صرف شود .

حال تصور نمایید که انتقال تمامی لشگر سوم پیاده که شامل صدها دستگاه تانک و هزاران خودروی دیگر است . حجم کارهای مورد لزوم و نفقات مورد نیاز، سرسام آور است، حدود یک میلیارد دلار نیز بایستی هزینه شود تا لشگر فوق الذکر به عراق اعزام گردد .



ارتش ایالات متحده اصطلاحی دارد به نام (throughput)^۱ که به معنای حداکثر ظرفیت و تعداد تجهیزاتی است که در یک روز خاصی ممکن است از آمریکا به محل دیگری اعزام شود.

ارتش برای غلبه بر این کابوس، تجهیزات نظامی را در مکان‌های مشخصی در سطح جهان انبار نموده است که در صورت بروز بحران از کوتاه‌ترین مسیر و در حداقل زمان به منطقه موردنظر اعزام گردد. از این تجهیزات تحت عنوان انبارهای از قبل مستقر شده یا اصطلاحاً "prepositioned stock" (pre-po) که بطور خلاصه pre-po ذکر می‌شود. و این در حالی است که چند ماه پیش نظامیان ارشد آمریکایی در کمیته خدمات نیروهای مسلح اعلام نمودند که این انبارهای pre-po به طور کامل تخلیه شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند و تنها انبارهای موجود در کره جنوبی و جزیره گوام دست نخورده باقی مانده و به طور تقریبی تمامی تجهیزات مستقر در جنوب شرقی آسیا و جزیره دیه گوگاریسیا و اروپا که شامل ده هزار دستگاه تانک - نفربر کامیون و سایر ادوات زرهی می‌شود در حال حاضر مشغول به خدمت می‌باشند، هیچ انبار pre-po دیگری در نزدیکی کشور عراق وجود ندارد که لشکر سوم پیاده یا واحدهای دیگر از آنها استفاده نماید. کلیه تجهیزات موردنیاز بایستی از ایالات متحده به محل منتقل شوند که این مساله بطور گسترده‌ای موجب بالا رفتن هزینه‌ها و پیچیدگی عملیات خواهد شد. مادامی که این تجهیزات درگیر عملیات در عراق (و قسمتی نیز در افغانستان) هستند از این نیروها و تجهیزات در محل دیگری نمی‌توان استفاده کرد. این امر باعث تأخیر در واکنش آمریکا به درگیری‌های احتمالی در مکان‌های دیگر جهان شد. فرماندهان نظامی به کنگره اعلام کرده‌اند

1- the amount of material put through (carry out) a process.



سال ها طول خواهد کشید که انبارهای تخلیه شده مجدداً تامین شود . ارتش و سایر سازمان های دولتی پذیرفته اند که برای بازسازی و جایگزین نمودن جای خالی تجهیزات و مهماتی که در جنگ عراق به کار رفته اند نیاز به ۱/۷ میلیارد دلار بودجه است که تاکنون فقط حدود ۷۰۰ میلیون دلار برای این موضوع واگذار شده است . بنابر این ملاحظه می شود که آمادگی مجدد ارتش آمریکا از نقطه نظر آماد و پشتیبانی برای برگشت به حالت قبل از حمله به عراق نیازمند گذشت زمان نسبتاً طولانی است. براساس گزارش روزنامه واشنگتن پست برای بازسازی ارتش بودجه های زیر موردنیاز است :

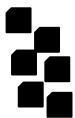
۱- ۱۳۲ میلیون دلار برای خودروهای نظامی .
 ۲- ۸۷۹ میلیون دلار برای کلاه خودهای نظامی ، پوتین ، لباس زیر و سایر البسه .

۳- ۲۱/۵ میلیون دلار برای تفنگ های MK49 خودکار .

۴- ۲۷ میلیون دلار برای مهمات کالیبر کوچک، مسلسل ها و دوربین های دید در شب و سایر انواع مهمات با کالیبر مختلف .

همچنین مبلغ ۹۵۶ میلیون دلار که برای بازسازی تجهیزاتی که در صحرا آسیب دیده اند و ۱۰۲ میلیون دلار برای جایگزینی تجهیزاتی که در رزم نابود شده اند موردنیاز است .

اکنون مشخص شده است که مقادیر تجهیزات و لوازم پیش بینی شده و انبار شده، کمتر از حد موردنیاز برآورده گردیده که باعث ایجاد کمبودهایی شده است . بنابراین اگر آمریکا مجبور باشد نیروهایش را به فوریت برای اقداماتی نظیر کمک به شبه جزیره بالکان اعزام نماید انبارهای pre-PO موجود دیگر جوابگوی این نیازمندی نمی باشد



کمبود بودجه های واگذار شده نسبت به مبالغ موردنیاز باعث تأخیر در آماده نمودن مجدد این دپوهای تجهیزات و مهمات خواهد شد .

از آغاز جنگ عراق ارتش با کمبود تجهیزات و قطعات مورد نیاز مانند قطعات مربوط به خودروهای زرهی "برادلی" ، تیغه های بالگرد و لاستیک انواع خودروهای مواجه شده است . که بدون وجود اینگونه قطعات یدکی ارتش قادر به ادامه عملیات رزمی نخواهد بود . اکنون قطعات در نظر گرفته برای واحدهای مستقر در آمریکا برای واحدهای نظامی مشغول خدمت در عراق اختصاص یافته و کارخانه ها نیز با حداکثر ظرفیت خود برای تولید قطعات یدکی به کار گرفته شده اند، واحدهایی که قرار است به تازگی از آمریکا به عراق اعزام شوند با کمبود تجهیزات و قطعات روبرو هستند، ارتش مجبور است بعضی از قطعات مورد نیاز هواپیماهای شکاری را از منابع دیگری تهیه و تأمین نماید .

از یک نگاه ممکن است ارسال نیروهای گارد ملی به عراق باعث کاهش فشار وارده بر نیروهای منظم نظامی شود، بخصوص که سربازان لشکر سوم پیاده و لشکر ۱۰۱ هوایر دارای تجربه جنگی نیز هستند . با توجه به اینکه سال ها نیروهای ذخیره آمریکا مورد غفلت واقع شده اند . نیروهای ذخیره موجود به سرعت قابل استفاده نیستند . حتی با وجود آمادگی پیشرفته گارد ملی ، این تیپ ها نیازمند ۹۰ تا ۱۲۰ روز آموزش هستند، تا آماده شرکت مستقیم در عملیات رزمی باشند، زیرا در زمان صلح نیروهای ذخیره تحت آموزش های موردنیاز قرار نگرفته اند .

در مطالعه ای که در دسامبر سال ۲۰۰۳ توسط دانشکده جنگ آمریکا انجام شد، مشخص گردید که عملیات اشغال عراق توسط نیروهای نظامی آمریکا را تا نقطه شکست گسترش داده است .



از این رو تأثیر منفی مشکلات آماد و پشتیبانی، فقدان قطعات یدکی موردنیاز و عدم آمادگی نیروهای ذخیره، باعث شده است که آمادگی نیروهای نظامی آمریکا برای انجام عملیات در سال های آتی کاهش یابد. اگر نیروهای آمریکای مجبور به انجام عملیات نظامی در نقطه دیگری از جهان باشند با مشکلات جدی مواجه خواهند بود.

نکته خنده آور در اینجاست که جرج دبلیو بوش در انتخابات سال ۲۰۰۰ آمریکا، کلینتون را بخاطر استفاده بیش از حد نیروهای آمریکا در بالکان که منجر به گسترش نیروهای آمریکا تا حد شکست شده بود، مورد انتقاد قرار داده بود.

اگرچه ممکن است اداره کنندگان جنگ مدعی شوند حملات ۱۱ سپتامبر شرایط جدیدی را به وجود آورده تا ارتش آمریکا ناچار شود آمادگی اجرای عملیات سریع را در هر نقطه جهان برعلیه تروریست ها داشته باشد. اما در شرایط فعلی می توان گفت دولت بوش با کشاندن ارتش آمریکا به عراق و افغانستان عملاً " توانایی آمریکا برای مقابله موثر با تهدیدات تروریستی در سایر نقاط جهان را از دست داده است.

در حال حاضر برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق کمی دیر است، اما مساله این است که چگونه می توان در شرایط فعلی بر شورش های ادامه دار در عراق غلبه کرد. بدیهی است در صورت نیاز بایستی نیروهای جدید به عراق اعزام شوند. بنابراین قسمتی از نیروهای نظامی مانند پلیس نظامی، کارکنان و عملیات مردم یاری باید به عملیات رزمی اختصاص داده شوند، همچنین ضروری است که روی نیروهای ذخیره سرمایه گذاری بیشتری انجام شود ما باید در عراق پیروز شویم اما این مساله نباید باعث شود که ما از تهدیدات دیگری که متوجه آمریکا است غافل باشیم.

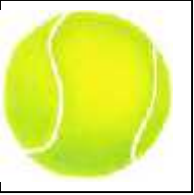


تحلیل: واقعیت این است که نظامیان بلندپایه اشغالگر مانند رونالد رامسفلد، وزیر دفاع تصور نمی کردند که جنگ به درازا بکشد و تصور می کردند با اجرای عملیات ضربتی و سرنگونی رژیم عراق قادر خواهند بود به سادگی ارتش جدیدی برای عراق تدارک دیده و اکثر مسوولیت را به آنها بسپارند که عملاً" با شروع عملیات مقاومت در عراق و تلفات بالای آمریکایی ها باطل بودن این تصورات ثابت شد .

خانم کاندولیزا رایس، پیش از انتخاب مجدد جرج بوش، در مصاحبه با نشریه پیتسبورگ تریبیون - ریویو اظهار داشته است که به طور قطع فکر می کنم میزان سربازان در عراق کافی است و هدف واقعی ، این است که عراقی ها آموزش ببینند و بخشی از وظایف را به عهده بگیرند و تا پایان سال ۲۰۰۴ حدود ۱۲۵ هزار عراقی آموزش داده شوند و در دسامبر ۲۰۰۵ بیش از ۲۰۰ هزار نیروی عراقی فعالیت خواهند داشت (.....) اما عملاً" وضعیت موجود نشان می دهد که انجام حملات نیروهای مقاومت به پاسگاه های پلیس و تعداد اندک کسانی که با اشغالگران همکاری می نمایند باعث ایجاد رعب و وحشت در بین نیروهای جدید عراقی شده است. از طرفی کارکنان ارتش عراق که شغل و موقعیت خود را از دست داده اند از انگیزه کافی برای مبارزه مستقیم و غیرمستقیم با نیروهای اشغالگر برخوردار هستند .

از سویی اکنون مشخص شده است که دولت آمریکا از پرداخت حقوق و مزایای جنگی و کمک هزینه های مرتبط به خانواده سربازان سرگرم جنگ در عراق، ناتوان است. این مساله باعث نارضایتی شدید این سربازان و خانواده آنان شده است^۱.

۱- رجوع شود به مقاله troops in Iraq paycut منتشره در روز جمعه ۲۱ ژانویه ۲۰۰۵ در سایت



با جمع بندی موارد فوق و نامشخص بودن آینده عراق بعد از انتخابات به نظر می رسد تهدیدات نظامی آمریکا بر علیه ج.ا.ا در کوتاه مدت قابل انجام نباشد عملیات روانی گسترده آمریکا در این زمینه قابل تعمق است.

منابع:

www.slate.msn.com

www.military.com

www.bbc.co.uk.com

* فلیپ کارتر افسر بازنشسته آمریکایی است که در حال حاضر به نوشتن موضوعات نظامی و حقوقی اشتغال دارد.

